

مقدمه‌ای در  
آموزه‌های اقتصادی  
و مالی اسلام

سرشناسه	: دادگر، یدالله، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام/یداله دادگر.
مشخصات نشر	: تهران : آماره ، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۸ ص.
شابک	: 978-600-7446-00-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه .
موضوع	: اسلام و اقتصاد
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ م ۲۳ / ۲ / ۲۳۰ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۲۸۳۰۷

مقدمه‌ای در  
آموزه‌های اقتصادی  
ومالی اسلام

دکتر یداله دادگر  
استاد دانشگاه شهید بهشتی





عنوان کتاب: مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی و مالی اسلام

تألیف: دکتر یداله دادگر، استاد دانشگاه شهید بهشتی

شابک: ۳-۰۰-۷۴۴۶-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول، مردادماه ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

هر گونه کپی برداری، اسکن، میکروفیلم جزئاً یا کلاً بدون اجازه مکتوب نشر آماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده توسط ناشر می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده وی می‌باشد

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

چاپ ایران - تهران

تلفن مرکز نشر و پخش: تهران، ۰۹۱۲۷۹۶۹۱۴۶

نماینده گی فروش: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، بین دانشگاه و فخر رازی،

پلاک ۱۲۱۲، کتابفروشی انتشارات گوتنبرگ، تلفن ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۰۲۱

Title: Economic and Financial Teachings in Islam

Author: Dr. Dadgar, professor of shahid beheshti university

ISBN: 978-600-7446-00-3

The first edition published: August, 2014

Circulation: 1000 impression

No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh press)

The views expressed in this publication represent those of the individual Author and Editor. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh press)

© ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh press

Printed in Iran-Tehran

www.nashreamareh.ir  
nashreamareh@yahoo.com

قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
<b>فصل اول: کلیات موضوع.....</b>	<b>۱۱</b>
۱-۱- مقدمه.....	۱۱
۱-۲- تاریخچه و ادبیات.....	۱۶
۱-۳- ملاحظات مربوط به مبانی نظری.....	۲۵
۱-۴- برخی دستاوردهای فصل.....	۳۲
<b>فصل دوم: مروری بر مسائل و سؤال‌های اساسی.....</b>	<b>۳۵</b>
۲-۱- مقدمه.....	۳۵
۲-۲- ملاحظات اولیه و ارتباط دین و اقتصاد.....	۴۰
۲-۳- یک سلسله سؤال‌های کلیدی.....	۴۸
۲-۴- پاسخ‌واره‌ای به برخی از دیگر سؤال‌ها.....	۵۴
۲-۵- برخی دستاوردهای فصل.....	۵۸
<b>فصل سوم: روش‌شناسی دین و اقتصاد.....</b>	<b>۶۱</b>
۳-۱- مقدمه.....	۶۱
۳-۲- قلمرو روش‌شناسی.....	۶۴
۳-۳- روش علمی و دیگر ملاحظات روش‌شناختی.....	۶۹
۳-۴- برخی دستاوردهای فصل.....	۷۸

فصل چهارم: اخلاق و آموزه‌های اقتصادی اسلام.....	۷۹
۴-۱- مقدمه.....	۷۹
۴-۲- پیوندهای اخلاقی عام.....	۸۵
۴-۳- اخلاق در ساختارها و زیرسیستم‌ها.....	۹۷
۴-۴- اخلاق و بخش عمومی.....	۱۰۳
۴-۵- برخی دستاوردهای فصل.....	۱۰۸
فصل پنجم: نهادهای اقتصادی و مالی.....	۱۰۹
۵-۱- مقدمه.....	۱۰۹
۵-۲- نهادها و آموزه‌های دینی.....	۱۱۲
۵-۳- عناصر نهاد ساز.....	۱۲۰
۵-۴- اصول حاکم بر ابزارها و بازارهای مالی.....	۱۲۵
۵-۵- ابعاد از ربا و بهره.....	۱۲۹
۵-۶- برخی دستاوردهای فصل.....	۱۳۶
فصل ششم: ابعاد و عناصر عمومی دستگاه مالی.....	۱۳۷
۶-۱- مقدمه.....	۱۳۷
۶-۲- سطوح تأمین مالی، بازارها و ابزارهای آن.....	۱۴۲
۶-۳- واحدها و نظریه‌های مالی.....	۱۵۲
۶-۴- کارکرد برخی تکنیک‌ها و ساختارهای مالی.....	۱۵۸
۶-۵- ارزیابی اقتصادی ساختارهای مالی.....	۱۶۳
۶-۶- ملاحظات پیوند زیرسیستم‌های مالی بین‌المللی و داخلی.....	۱۶۹
۶-۷- برخی دستاوردهای فصل.....	۱۷۲
فصل هفتم: نمونه نهادها و ساختارهای مالی شریعت.....	۱۷۳
۷-۱- مقدمه.....	۱۷۳
۷-۲- خاستگاه دستگاه مالی شریعت.....	۱۷۶
۷-۳- ابعاد آغازین مهندسی مالی شریعت.....	۱۸۶
۷-۴- طبقه‌بندی‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها.....	۱۹۵
۷-۵- برخی خصوصیات ابزارهای مشارکتی.....	۲۰۴
۷-۶- برخی دستاوردهای فصل.....	۲۰۸

فصل هشتم: تحلیل اقتصادی دستگاه مالی.....	۲۱۱
۸-۱- مقدمه.....	۲۱۱
۸-۲- قیمت دارایی، نرخ بازدهی و چند عنوان تکمیلی مالی.....	۲۱۳
۸-۳- ابعادی از ساختار خرد بازار مالی.....	۲۲۱
۸-۴- پیش‌بینی‌پذیری، تصمیم‌گیری و انتخاب سبد دارایی.....	۲۲۷
۸-۵- چند محور تکمیلی در تحلیل اقتصادی دستگاه مالی.....	۲۳۴
۸-۶- برخی دستاوردهای فصل.....	۲۳۹
فصل نهم: تحلیل مشتقات و مدیریت ریسک.....	۲۴۱
۹-۱- مقدمه و تحلیل اقتصادی اولین ابزارهای مشتقه.....	۲۴۱
۹-۲- قراردادهای و ابزارهای فوروارد و آینده.....	۲۴۲
۹-۳- قراردادهای و بازارهای سوآپ و حق اختیار.....	۲۴۹
۹-۴- پوشش ریسک در شریعت.....	۲۵۸
۹-۵- ابعاد و گستره ریسک در دستگاه مالی شریعت.....	۲۶۳
۹-۶- ملاحظات تکمیلی دستگاه مالی شریعت در مدیریت و پوشش ریسک.....	۲۷۲
۹-۷- برخی دستاوردهای فصل.....	۲۷۷
فصل دهم: ظرفیت‌ها، عملکردها و نتایج قابل ملاحظه.....	۲۷۹
۱۰-۱- مقدمه.....	۲۷۹
۱۰-۲- زمینه‌های انتشار اوراق بهادار شریعت.....	۲۸۲
۱۰-۳- فرایند نهادی در آموزه‌های اقتصادی اسلام.....	۲۸۹
۱۰-۴- مطالعه تطبیقی کلی: نظریه و رفتار.....	۲۹۵
۱۰-۵- روندهای اقتصادی و مالی.....	۳۰۲
۱۰-۶- نتایج قابل ملاحظه.....	۳۱۱
۱۰-۷- برخی دستاوردهای پایانی.....	۳۲۸
قسم‌نامه اقتصاددانان.....	۳۳۰
کتاب‌شناسی.....	۳۳۱
نمایه.....	۳۶۱





## پیشگفتار

قدرت وسیع بین رشته‌ای علم اقتصاد موجب شده که گروه‌هایی از محققان، بحث‌هایی از دین و اقتصاد و اخلاق و اقتصاد را مطرح سازند. به گونه‌ای که هم اکنون زیر رشته‌های اخلاق و اقتصاد و دین و اقتصاد به تولید و تکامل ادبیات خود ادامه می‌دهند. این کتاب به تحلیل موضوع مربوطه می‌پردازد. در عین حال همان طور که در عنوان اصلی کتاب ذکر شده این اثر تنها مقدمه‌ای در آموزه‌های اقتصادی اسلام و دستگاه مالی آن است و کاربرد عبارت «مقدمه» در آن معنی دار است. از این رو شاید بتوان این مجموعه را بیشتر عنوان‌های اصلی موضوع دانست تا تفصیل جزئیات بحث. این نوشته به گونه‌ای تنظیم گردیده که پنج فصل اول آن جوانب نهادی، روش شناختی و پایه‌ای بحث را شامل می‌گردد و پنج فصل دیگر، موضوع را در چارچوب دستگاه مالی شریعت تبیین می‌کنند. تلاش شده که این مجموعه علاوه بر استفاده علاقمندان عمومی، در چارچوب آموزشی هم قرار گیرد. مثلاً پنج فصل اول می‌توانند برای واحدهای عمومی دین و اقتصاد، اسلام و اقتصاد و اخلاق و اقتصاد تدریس شوند. فصل‌های ششم تا دهم می‌توانند در درس بازارها یا ابزارهای مالی اسلامی بکار روند. همچنین می‌توان این مجموعه را به همان صورت برای درس‌های اقتصادی اسلامی (۱) و (۲) نیز مورد استفاده قرار داد.

به مدرسان محترمی که می‌خواهند کل کتاب را در یک ترم پوشش دهند، توصیه می‌شود که فصل‌هایی را برای تدریس گزینش نمایند و مطالعه باقی فصل‌ها را به اختیار دانشجویان بگذارند (تدریس الزامی همه فصل‌ها برای یک درس ۳ واحدی زیاد به نظر می‌رسد). در تدوین این نوشته سعی شده از آخرین یافته‌های قابل دسترس در زمینه موضوع استفاده شود. یک هدف این نوشته

روشن ساختن برخی سوء تفاهم‌ها در زمینه موضوع می‌باشد. از این رو می‌توان رویکرد آن را بررسی واقع‌بینانه و یا نقادانه از موضوع نیز دانست. هدف ضمنی آن است که تصویر صحیحی از موضوع ارائه شود زیرا تصویر نادرست از آن، هزینه تربیتی سنگینی تحمیل می‌کند. همچنین کاربرد «آموزه‌های اقتصادی اسلام» بجای اقتصاد اسلامی در این اثر نشانه نوعی احتیاط پژوهشی در این رابطه می‌باشد. با وجودی که مطلب در سطح تحصیلات تکمیلی تدوین گردیده، اما فصل‌هایی از آن برای دانشجویان لیسانس نیز می‌تواند استفاده شود. مناسب است بر یک یافته مهم این کتاب یعنی اصالت اخلاقی آموزه‌های اقتصادی اسلام و ضرورت توجه عملی به آن تأکید شود. بدین صورت که اگر رفتار کارگزاران با اخلاق مربوطه همراه نباشد این آموزه‌ها در بهترین شکل به قانونی زیبا می‌مانند که هیچ‌گاه به آن عمل نمی‌شود. توجه به رویکرد این کتاب که یافته‌های پژوهشگران از دین لزوماً منطبق بر اصل دین نبوده و نقد پذیر می‌باشد، خود این اثر نیز قابل نقد و اصلاح است. در نتیجه از دریافت اظهارنظرها، نقدها و پیشنهادهای علاقمندان به موضوع، به ویژه دانشگاهیان، اساتید و دانشجویان گرامی سپاسگزاری می‌نمایم. در پایان از نشر آماره و مسئول محترم آن جناب آقای نوع‌پرست و سایر همکاران ایشان که زحمت ویرایش، نمایه‌سازی و چاپ این مجموعه را تحمل کرده‌اند، به طور خاص تشکر می‌کنم.

یداله دادگر

تابستان ۱۳۹۳

# کلیات موضوع

این فصل به تاریخچه مختصری از موضوع، پیشینه‌های کلی، پایه‌های نظری، ضرورت، اهمیت و روش تدوین کتاب اشاره دارد.

## ۱-۱- مقدمه

**شرط کلی کارآمدی و اثر بخشی:** یک شرط کارآمدی آموزه‌های اقتصادی اسلام در این کتاب آن است که به درستی درک شده و به درستی مورد عمل واقع شوند. اگر این آموزه‌ها درست تبیین نگردیده و درست مورد عمل واقع نشوند، کارساز نخواهند بود (این مقدمه در چند زیر بخش فرعی ادامه می‌یابد).

## ۱-۱-۱- اقتصاد دینی و تحلیل اقتصادی از دین

مناسب است در آغاز دو عبارت اقتصاد دینی و تحلیل اقتصادی از دین توضیح داده شوند. چون در حال حاضر بحث‌های دین و اقتصاد به طور کلی و اسلام و اقتصاد به طور خاص در این دو عرصه مطرح هستند. «اقتصاد دینی»<sup>۱</sup> مانند اقتصاد اسلامی، اقتصاد مسیحی، اقتصاد یهودی، اقتصاد بودایی و

---

1. Religious economy

مانند آن شعبه اول را پوشش می‌دهند. اما بررسی عقاید و رفتارهای مربوط به دین از منظر عقلانیت و با محوریت متدلوژی اقتصاد به «تحلیل اقتصادی از دین»<sup>۱</sup> مربوط است.

**ساختار کلی اقتصاد دینی:** در اقتصاد دینی امور اقتصادی بر اساس اصول و بنیان‌های دین توصیف و تحلیل می‌شوند. بنابراین اگر بحث از آموزه‌های اقتصادی اسلام است، پیش‌بینی می‌شود که نهادها و ساختارهای اقتصادی بر اساس اخلاق، احکام و عقیده اسلامی شکل گیرد. بر اساس اقتصاد دینی، مجموعه‌ای از اصل‌ها و فرض‌های دینی بر امور اقتصادی حاکم‌اند. به این صورت که اقتصاد می‌تواند پیوندی با الهیات، مبانی متافیزیکی و فلسفی، آموزه‌های کتاب‌های مقدس، گفتار و رفتار پیامبران و مانند آن داشته باشد.

**چارچوب اولیه تحلیل اقتصادی از دین:** در تحلیل اقتصادی از دین بررسی عقاید و رفتارهای دینی، بر اساس متدلوژی اقتصاد و به طور خاص عقلانیت اقتصادی است. به عنوان مثال در اینجا بحث می‌شود که آیا رفتار یک دین‌دار در نخوردن شراب و یا در عدم استفاده از ربا، توجیه عقلانی دارد یا خیر. بدیهی است که در این رابطه و بر اساس رویکردهای مختلف از عقلانیت می‌توان پارادایم‌های مختلفی از تحلیل اقتصادی دین را در نظر داشت.

## ۲-۱-۱- دامنه عقلانیت و نفع شخصی

**عقلانیت ابزاری و عقلانیت فراگیر:** می‌توان رویکردهای مربوط به عقلانیت در اقتصاد را در دو اردوگاه عقلانیت ابزاری و عقلانیت فراگیر قرار داد.<sup>۲</sup> بر اساس رویکرد حداقل‌گرایانه عقلانیت ابزاری، هدف کارگزاران اقتصادی (خانوارها، بنگاه‌ها و دولتی‌ها) تنها رسیدن به حداکثر منافع شخصی، مادی و کوتاه مدت است. اما در چارچوب عقلانیت فراگیر، رسیدن به اهداف گوناگونی از منافع شخصی تا منافع اجتماعی، معنوی، بلند مدت و مانند آن مطرح می‌شود. **فراگیری نفع شخصی:** لازم است اشاره شود که نفع شخصی نیز در یک طیف وسیع مطرح است که بر اساس جهان بینی‌های مختلف می‌تواند شامل نفع شخصی مادی صرف، کوتاه مدت صرف، نفع شخصی اجتماعی صرف، نفع شخصی مادی و معنوی، کوتاه مدت و بلند مدت، فردی و اجتماعی و یا ترکیب دیگری از موارد یاد شده باشد (می‌توان نفع شخصی یاد شده را نفع شخصی گسترش یافته نیز نامید).

1. Economic analysis of religion

۲. به عبارت دیگر عقلانیت یک عبارت عمومی است که دو اردوگاه ابزاری و فراگیر را در بر می‌گیرد.

**مواردی از نفع شخصی:** تلاش یک متدین برای انجام یک مراسم مذهبی ممکن است به خاطر کسب نفع شخصی منها نفع شخصی معنوی باشد. یا کمک به یک فقیر، ممکن است هم با انگیزه کسب رضایت خداوند به عنوان یک نفع شخصی معنوی باشد و هم کمک به یک فرد از جامعه، با انگیزه کسب نفع شخصی اجتماعی صورت گیرد. در عین حال انگیزه فرد یاد شده از این کمک می تواند تنها جنبه خودنمایی و نفع شخصی مادی داشته باشد. **ذاتی بودن نفع شخصی:** برخی رویکردها عقیده دارند که اصولاً نفع شخصی گرایی در ذات انسان است و بنابراین نمی توان انسانی را تصور کرد که دنبال نفع شخصی نباشد. حتاً تعدادی از فیلسوفان مسلمان نیز با تأکید بر عبارت «حب ذات» در انسان، گویی این خصلت ذاتی بودن نفع شخصی گرایی انسان را تایید می کنند.

### ۳-۱-۱- نفع شخصی و ساختار انسانی

**امکان سنجی جدایی نفع شخصی و غیر شخصی:** عده ای عقیده دارند که از یک طرف تلاش همه انسان ها تنها برای کسب منافع شخصی نمی باشد و از طرف دیگر نفع شخصی و نفع اجتماعی بر هم منطبق نیستند، بلکه می توانند جایگزین هم باشند. بنابراین فردی که به فقیر کمک می کند، رفتار نوع دوستانه خود را منعکس می کند و این نفع اجتماعی است و نه نفع شخصی. این تصور می تواند بیانگر وجود انسان هایی با پیش های متفاوت باشد. یعنی بیشتر انسان ها دنبال منافع شخصی هستند، ولی گروه هایی هم بیشتر منافع اجتماعی را پی می گیرند و تعدادی هم دنبال ترکیبی از منافع شخصی و اجتماعی می باشند. **ابعاد گوناگون انسان شناسی:** مطالعات نشان می دهد که ابعاد انسان شناسی متفاوتی شکل می گیرد. به عنوان مثال انسان های هابزی، روسویی (و انسان فرشته گونه آنارشستی) و انسان هایی بین این ها مطرح می شوند. زیرا در اندیشه جان هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸)، انسان گرگ انسان است. بنا بر انسان هابزی، انسان ها تنها دنبال حداکثر کردن منافع شخصی کوتاه مدت خود هستند و برای رسیدن به آن همانند گرگ ممکن است دیگران را نابود سازند. در مقابل، در اندیشه آنارشست ها و تا حدودی روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲)، انسان ها موجوداتی شریف هستند که منافع خود را فدای منافع جامعه می کنند و هیچ مشکلی برای جامعه به وجود نمی آورند.<sup>۱</sup> برعکس انسان هابزی که گرگ است، انسان آنارشست ها و انسان روسو گویی فرشته است.

۱. برخلاف تصور ظاهری از آنارشست ها که هرج و مرج طلبی است، آن ها انسان را همانند فرشته می دانند و به همین خاطر عقیده دارند بگذارید انسان ها هر کاری می خواهند انجام دهند و به معنای عامیانه انسان نیازی به آقا بالا سر ندارد. اساس مفهوم آنارشست هم همان عقیده به بالا سر نداشتن است (دادگر ۱۳۹۳ الف).

**نمونه‌های سه نوع انسان:** واقعیت آن است که نه همه انسان‌ها گرگ هستند و نه همه فرشته. با وجودی که برخی از انسان‌ها آن چنان دنبال حداکثر کردن منافع شخصی هستند که از گرگ هم درنده‌تر هستند، گروه‌هایی هم هستند که آنقدر به فکر منافع اجتماعی و انسانی و نوع دوستی هستند که منافع شخصی خود را هم فدا می‌کنند. از این رو رفتارهای واقعی انسان‌ها بیشتر به الگوی بینابین (نه گرگ و نه فرشته) نزدیک‌ترند. توصیف اخیر از سویی با آموزه‌های اسلامی و از سوی دیگر با دیدگاه‌های صاحب نظرانی مانند تامس جفرسون (۱۸۲۶-۱۷۴۳) سازگار می‌باشد. بر اساس دیدگاه جفرسون با وجودی که نباید به انسان‌ها خوش بین بود و باید آن‌ها را کنترل کرد، اما باید قبول کرد که این موجودات هم ظرفیت انسانی و مثبت دارند و هم گنجایش خصلت‌های منفی و مشکل آفرین.

**ساخت انسان در آموزه‌های دینی:** بر اساس آموزه‌های دینی انسان هم ظرفیت خوب شدن (به کمال رسیدن) و هم بد شدن (سقوط کردن) را دارد. بنابراین اینکه در عمل و به صورت بالفعل، کدام بخش از ظرفیت‌های انسان شکوفا گردد تعیین کننده خواهد بود. ظرفیت انسان از منظر قرآن طیفی را شامل می‌شود که هم می‌تواند بدتر از حیوان و هم بهتر از فرشته باشد.<sup>۱</sup> در نتیجه چگونگی انسان‌های موجود بستگی به این دارد که آن‌ها بعدهای انسانی یا حیوانی ظرفیت خود را به واقعیت برسانند. در نهایت بر اساس پذیرش نوع عقلانیت (ابزاری یا غیر ابزاری) گرایش انسان و در نتیجه تحلیل اقتصادی از دین نیز متفاوت خواهد بود.

#### ۴-۱-۱- چند مطلب تکمیلی

**واقعیتی به نام دین و اقتصاد:** بحث اقتصاد دینی، یا تحلیل اقتصادی از دین به عنوان یک واقعیت (و بدون داوری در مورد کارآمدی یا ناکارآمدی آن)، به ویژه پس از دهه ۱۹۷۰ به بعد مطرح است. هر چند رویکردهای سنتی از دین و اقتصاد ریشه طولانی تری در تاریخ دارند. اما آثار جدید آن حداقل دو قرن از شکل‌گیری علم اقتصاد عقب هستند. به همین خاطر انتظار از یافته‌های آن‌ها نیز بایستی با توجه به این شکاف تاریخی مورد نظر باشد. در ضمن مطالعات دین و اقتصاد اختصاص به اسلام ندارد، و تقریباً همه ادیان معروف جهان از جمله مسیحیت، یهودیت و بودا نیز پرتوهایی از آن را برجسته می‌کنند. **تقاضا و عرضه دین و اقتصاد:** تقاضاهایی برای انجام پژوهش، آموزش و

۱. تعبیر قرآن در: اولئک کالانعام بل هم اضل (اعراف ۱۷۹) گویای این واقعیت است. همچنین تعابیر مشابه در آموزه‌های دینی در مورد صعود انسان به «اعلی علیین» از یک سو و سقوط او به «اسفل السافلین» از سوی دیگر می‌تواند ترجمان وضعیت پیش گفته باشد.

اجرا در دین و اقتصاد ایجاد گردیده که عرضه متناسب خود را طلب می کند. شاید یک دلیل اینکه این زیر رشته هنوز نتوانسته نظریه‌ها و تجربه‌های قابل رقابت کافی با دیگر عرصه‌های پژوهشی اقتصاد را تولید کند عرضه نامتناسب آن باشد.

**چند عامل موفقیت:** توجه به چند عامل می تواند در موفقیت دین و اقتصاد مؤثر باشد: ۱- پذیرش چند رویکردی بودن آن. ۲- تأکید بر رویکردهای میانه و متعادل. ۳- حرکت به سوی اخلاق محوری، زیرا اخلاق ستون گوه‌رین دین است. ۴- دوری از جانبداری‌های ایدئولوژیک، سیاست‌زدگی و ابزار شدن دین برای قدرت. ۵- همراهی مسالمت آمیز با یافته‌های علم اقتصاد متعارف و دیگر یافته‌های علمی، عقلی و عقلایی. ۶- نظام‌مندی. ۷- پویایی (این امور در فصل‌های کتاب بررسی می‌شوند). **چند پیامد توجه به عامل‌های موفقیت:** در صورت توجه به عامل‌های موفقیت، ۱- رویکردهای اقتصادی از دین متنوع بوده و انحصاری کردن یک رویکرد غیر قابل دفاع می‌شود. ۲- کارآمدی و اثر بخشی رویکردهای میانه و متعادل بیشتر از رویکردهای افراطی خواهد بود. ۳- اخلاق مهم‌ترین ارکان دین و اقتصاد می‌گردد. ۴- ابزار قدرت و ایدئولوژی شدن آموزه‌های دین و اقتصاد غیر قابل قبول خواهد شد. ۵- روند مسالمت آمیز بین آموزه‌های اقتصادی دین و یافته‌های علم اقتصاد، کمک کننده و نجات بخش خواهد بود. ۶- توجه به ملاحظات سیستمی انسجام و انضباط دین و اقتصاد را تقویت می‌کند. ۷- بها دادن عملی به پویایی دین و اقتصاد کمک عظیمی به بهره‌وری این مطالعات می‌کند.

**دین و سیاست، دین و حکومت:** مناسب است در پایان این مقدمه دو مطلب از هم جدا شود یکی ارتباط دین و سیاست است و دیگری پیوند دین و حکومت. روشن نشدن این موضوع می‌تواند برای مطالعات دین و اقتصاد گمراه کننده باشد. با وجودی که پیوند دین و حکومت ممکن است چالشی باشد، اما ارتباط دین و سیاست می‌تواند امری طبیعی و عادی به حساب آید. زیرا پیوند دین با سیاست همانند پیوند هنر با سیاست، فرهنگ با سیاست، اقتصاد با سیاست و امور مشابه خواهد بود. اما پیوند دین و حکومت بحث متفاوتی است. آنجا است که ممکن است دین ابزار قدرت شود و یا امور ایدئولوژیک بر دولت و در نتیجه بر جامعه حاکم شود. اینکه از برخی شخصیت‌ها نقل می‌شود که دیانت عین سیاست است و سیاست عین دیانت، ممکن است صحیح باشد اما به معنای ترکیب دین و حکومت نیست. شکست تجربه حکومت دینی در قرون وسطا و پس از آن از این زاویه قابل بحث است. در عین حال با پذیرش فرض تکثری بودن دین، اگر بتوان یک حکومت دینی مردم سالار تعریف کرد که در آن اکثریت مردم آزادانه و آگاهانه به آن رأی

بدهند شاید بتوان تئوری حکومت دینی دموکراتیک را نیز تصور نمود. اما اینکه این حکومت در عمل دموکراتیک باشد یا نباشد بحث جداگانه‌ای است.

## ۲-۱- تاریخچه و ادبیات

می‌توان برای بررسی روند مطالعات دین و اقتصاد و آموزه‌های اقتصادی اسلام، دو مقطع تاریخی را از هم جدا نمود، قبل از قرن ۱۸ میلادی (زمان شکل‌گیری علم اقتصاد)<sup>۱</sup> و از قرن ۱۸ میلادی به بعد. قبل از قرن ۱۸، گرایش دین و اقتصاد به صورتی فرعی مطرح بوده و زیر سیستم مستقلی به حساب نمی‌آمده است. به این صورت که بعدها اقتصاد دین در کنار فلسفه، سیاست و ساختار اجتماعی مطرح بوده است. در آن زمان همچنین منظور از اقتصاد دینی بیشتر مجموعه قواعد و احکام فقهی در امور اقتصادی بوده است. بنابراین انتظار تولید مکتب یا نظام اقتصادی از دین در آن عصر دشوار است (بررسی موضوع را در چند قسمت فرعی ادامه می‌دهیم).

### ۱-۲-۱- بروز عقیده دینی و دیگر بحث‌های آغازین

**اندیشه موسی و دین یهود:** اگر تاریخ شکل‌گیری دین یهود به عنوان شروع طرح دین و اقتصاد در نظر گرفته شود، می‌توان حدود سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد را آغاز آن دانست. در این زمان در گفته‌های حضرت موسی و گزاره‌های تورات بحث‌های اقتصادی همانند سخت‌کوشی، کمک به هم‌نوع و موارد مشابه مطرح بوده است. **اندیشه زرتشت:** هر چند تاریخ آغازین شکل‌گیری عقیده زرتشت به طور دقیق معلوم نیست، اما بین ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد می‌توان پرتوهایی از این دین را ملاحظه کرد. کمک به هم‌نوع و بخشیدن ۱۰ درصد پس‌انداز به فقیر از تاکیدهای صریح زرتشت است. البته توجه عملی به پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک که شعار معروف این پیامبر است می‌تواند پشتوانه اقتصاد سالم به حساب آید. **اندیشه بودا:** حدود ۶۰۰ قبل از میلاد می‌توان ردپاهایی از آموزه‌های اقتصادی بودا را هم ملاحظه کرد. فکر بودا، که هم نوعی دین و هم نوعی فلسفه است، بر اساس آموزه‌های «سیدهارتاگو تاما بودا»<sup>۲</sup> (۴۸۳-۵۶۳ قبل از میلاد) مطرح بوده و همانند دیگر دین‌ها پیوند اقتصادی خاص خود را دارد.

۱. یادآوری می‌شود که اواخر قرن ۱۸ میلادی (۱۷۷۶) که سال انتشار کتاب ثروت ملل آدم اسمیت است، به سال شکل‌گیری علم اقتصاد نیز معروف گردیده است.



**دین مسیح:** آغاز پیوندهای دین و اقتصاد از نظر مسیحیت را نیز می‌توان به اندیشه عیسی مسیح (عیسای ناصری) مربوط ساخت. بر اساس منابع تاریخی، مسیح سال ۳۰ میلادی به صلیب کشیده شد (Raymond 1994).<sup>۱</sup> تولد مسیح آغاز تاریخ میلادی است. ساده‌زیستی و دوری از ربا از گزاره‌های مورد تأکید اقتصاد مسیحی است. **کلیسا و دین و اقتصاد:** اوج اندیشه‌های دین و اقتصاد از منظر مسیحیت زمانی بود که کلیسا قدرت سیاسی بدست آورد. دوره قرون وسطا تا آستانهٔ رنسانس را می‌توان به عنوان دوره حاکمیت کلیسا مطرح ساخت. به طور تقریبی می‌توان دوره هزار ساله بین قرن ۵ تا قرن ۱۵ میلادی را قرون وسطا دانست، در عین حال تاریخ‌های مشابهی نیز برای آن ذکر می‌شود. **ظهور اسلام:** شروع بحث دین و اقتصاد از منظر اسلام را می‌توان به آستانهٔ پیامبری محمد بن عبدالله (۶۳۲-۵۷۰ میلادی) در قرون وسطا مربوط نمود (در فصل‌های اصلی به بُعدهای گوناگون این موضوع اشاره می‌شود).

**دین و اقتصاد پس از شکل‌گیری علم اقتصاد:** بحث‌های دین و اقتصاد قبل از قرن ۱۸ میلادی را می‌توان در چارچوب شعبه اقتصاد دینی ملاحظه کرد و تحلیل اقتصادی از دین پس از شکل‌گیری علم اقتصاد (در قرن ۱۸ میلادی) مطرح گردید. در عین حال هر دو شعبهٔ اقتصاد دینی و تحلیل اقتصادی از دین به همراه تکامل علم اقتصاد (پس از قرن ۱۸ میلادی) مطرح بوده و هستند (در ادامه به چند زمینه اشاره می‌شود). **اولین زمینه‌ها در علم اقتصاد:** بر اساس دیدگاه آدام اسمیت می‌توان تحلیل اقتصادی از دین را همزمان با شکل‌گیری علم اقتصاد مطرح ساخت. جالب توجه است که اسمیت خود به تحلیل رفتار خانوارها و نگاه‌های متدین از منظر علم اقتصاد می‌پردازد و خصلت حداکثر سازی نفع شخصی در دین‌داران را مانند غیر دین‌داران برجسته می‌نماید. بنابراین ریشه‌های شعبهٔ تحلیل اقتصادی از دین (شعبهٔ دوم از سنتز دین و اقتصاد) را می‌توان از اواخر قرن ۱۸ به بعد ملاحظه کرد.

**زمینه پس از بحران کبیر اقتصادی:** تکامل شعبهٔ دوم دین و اقتصاد (اقتصاد دینی) تقریباً از اواخر دههٔ ۱۹۴۰ (یا اوایل دهه ۱۹۵۰) به بعد صورت گرفت. به نظر می‌رسد یک دلیل این موضوع همزمانی دهه ۱۹۴۰ با عبور از بحران اقتصادی بزرگ (۱۹۲۹-۳۹)<sup>۲</sup> می‌باشد.<sup>۳</sup> تا قبل از این بحران

۱. مسیحی‌ها و متن‌های تاریخی در مورد چگونگی از دنیا رفتن مسیح اختلاف نظر دارند و یافتن اطلاع قطعی بسیار دشوار است. برخی از پیروان مسیح عقیده دارند که او از دنیا نرفته بلکه به آسمان صعود کرده و در زمان معینی به زمین باز می‌گردد.

2. Great Depression

۳. بحران کبیر (۱۹۲۹-۱۹۳۹) یکی از مهم‌ترین بحران‌های اقتصادی و مالی است که اقتصاد جهانی را تا مرز فروپاشی پیش برد و منشأ تحولاتی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی گردید (دادگر ۱۳۹۱، Frank and Bernamke 2007).

نوعی خوش بینی شدید نسبت به خود کار بودن و جهان شمولی رویکرد حاکم اقتصادی (ارتدکس نئوکلاسیک) مطرح بود. بحران مربوطه سؤالاتی در مورد رویکرد حاکم اقتصادی و جهانشمولی آن مطرح ساخت و بحث الگوهای اصلاحی و یا جایگزین مطرح شد. رویکردهای کینزی و نهاد گرا از اقتصاد را شاید بتوان اولین الگوهای اصلاح گر یا جایگزین برای نئوکلاسیک‌های اصول گرا دانست. رویکردهای دین و اقتصاد، نیز در کنار پارادایم‌های کینزی، نهاد گرا و مانند آن در دههٔ مربوطه قابل طرح می‌باشد. در ضمن شکل‌گیری اولین ادبیات از نوشته‌های دین و اقتصاد از منظر اسلام نیز به دهه ۱۹۴۰ مربوط می‌شود.

**زمینه‌ها پس از بحران روش شناختی:** شکست رویکردهای افراطی متدلوژیکی همچون اثبات‌گرایی منطقی<sup>۱</sup> در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ را نیز می‌توان زمینه دیگر طرح اولیه دین و اقتصاد دانست. بر اساس رویکرد اثبات‌گرایی منطقی، گزاره‌های دینی و ارزشی نه تنها علمی به حساب نمی‌آیند بلکه حتا ارزش و مفهوم قابل قبولی هم نداشتند. بر این اساس رویکردهای دین و اقتصاد، هم غیر علمی و هم بی‌معنا می‌بود. البته یک دلیل ظهور اندیشه افراطی اثبات‌گرایی منطقی و حمله شدید آن به یافته‌های دینی و ارزشی، کارکرد نامناسب الگوهای نظری و رفتاری دین‌داران و ارزش مداران بوده است.<sup>۲</sup> اما رویکرد اثبات‌گرایی منطقی نیز به دلیل همان افراطی بودن از سوی محققان بعدی زیر سؤال رفت. تحقیقات بعدی اثبات کردند که اگر چه ممکن است امور ارزشی و دینی علمی نباشند، اما می‌توانند معنی دار و حتا با ارزش باشند (به فصل سوم مراجعه شود). شکست رویکرد افراطی و ارزش ستیز اثبات‌گرایی منطقی، زمینه طرح اندیشه‌های اقتصاد اخلاقی و هنجاری<sup>۳</sup> (مثل دین و اقتصاد) را تقویت نمود.

## ۲-۱-۲- بسترهای شکل‌گیری اولین ادبیات

همان‌طور که در قسمت قبلی اشاره شد، با وجودی که بحث از شعبهٔ دوم دین و اقتصاد (تحلیل

### 1. logical positivism

۲. حتا مشهور است که حمله افرادی مثل هیوم و دیگران به یافته‌های هنجاری و ارزشی نه به دلیل عدم اعتقاد به دین و ارزش‌های اخلاقی که بیشتر به دلیل کارکرد نامناسب مدافعان دین و ارزش‌ها بوده است. به خصوص دفاع‌های تمام عیار و ایدئولوژیک از دین و حمله دین‌داران افراطی به یافته‌های علمی و عقلی و جدایی اکید بین دین و علم و عقل در دوره قرون وسطا و آستانه رنسانس می‌تواند در شکل‌گیری رویکردهای اخلاق‌گریز و دین ستیز نقش آفرین باشد. این یک واقعیت است که سیطره رویکردهای افراطی خود می‌توانند ایجادکنندهٔ رویکردهای افراطی مقابل خود باشند.

۳. همان‌طور که اشاره خواهد شد قرار دادن دین و اقتصاد تحت اقتصاد اخلاقی و اقتصاد هنجاری به معنای نبود گزاره‌های اثباتی در آن نمی‌باشد. در عین حال امور اخلاقی و امور هنجاری مورد تأکید جدی رویکردهای دین و اقتصاد است.

اقتصادی دین) پس از شکل‌گیری علم اقتصاد مطرح شده است، مواردی از شعبه اول (اقتصاد دینی)، از زمان شکل‌گیری خود دین مطرح بوده است. ابعادی از سخت‌کوشی قوم یهود، از ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد، غیر قانونی بودن ربا و تأکید بر انضباط مالی آن‌ها را می‌توان به اندیشه اقتصادی تورات و موسی مرتبط دانست. همچنین اخلاق کسب و کار در اندیشه زرتشت و مسیح، ساده‌زیستی بودایی‌ها، سخت‌کوشی و نظم پیروان کنفوسیوس و شین تو را می‌توان به تأثیر اندیشه دینی مرتبط دانست. **دوره صدر اسلام و تمدن اسلامی:** گروهی از محققان اقتصادی بر پیوندهای معنی‌داری بین پیشرفت اقتصادی و آموزه‌های اسلامی تأکید دارند. آن‌ها حتی مواردی از پیشرفت‌های اقتصادی اروپا را به الگوگیری از اندیشه و کارکرد صدر اسلام و دوره تمدن اسلامی مرتبط می‌نمایند (Rodinson, 1973). منظور از دوره صدر اسلام در این کتاب آغاز حاکمیت پیامبر اسلام در مدینه (قرن ۷ میلادی) تا آغاز قرن هشتم میلادی است. منظور از دوره تمدن اسلامی دوره بین قرن ۸ تا قرن ۱۵ میلادی است.

**ادبیات قدیم و معاصر:** ادبیات قدیم و کلاسیک آموزه‌های اقتصادی اسلام در دوره‌های صدر اسلام و تمدن اسلامی شکل گرفته است. اما از دهه ۱۹۴۰ میلادی به بعد نمونه‌های جدید و معاصر آموزه‌های اقتصادی اسلام وارد ادبیات مربوطه گردیده است. **تعریفی از آموزه‌های اقتصادی اسلام:** در این کتاب منظور از آموزه‌های اقتصادی اسلام آن دسته از گزاره‌های اثباتی یا دستوری مربوط به اخلاق، عقاید و یا احکام اسلامی از یک طرف و آثار رفتاری، سیاستی و تحلیلی آن‌ها از سوی دیگر است که به عناصر اقتصادی می‌پردازند. به عبارت دیگر آموزه‌های مربوطه هم نظریه را پوشش می‌دهد و هم خط مشی و کارکرد را.<sup>۱</sup>

**نمونه‌هایی از آموزه‌های اقتصادی:** اینکه پرداخت مالیات‌هایی مثل زکات به پاکی و ازدیاد دارایی منجر می‌شود<sup>۲</sup>، اینکه دروغ در انجام فعالیت‌های اقتصادی ممنوع است و موجب کاهش برکت (و بهره‌وری) می‌گردد، اینکه گرفتن رشوه حرام، بر هم زدن قول و قرار و خیانت در امانت محکوم است، یا برقراری توزیع عادلانه در جامعه موجب رفاه و بی‌نیازی می‌شود،<sup>۳</sup> نمونه‌هایی از آموزه‌های اقتصادی اسلام هستند. **گزاره‌های اثباتی و دستوری:** همان‌طور که ملاحظه می‌شود

۱. این تعریف با مفهوم ادبیاتی آموزه‌ها نیز سازگار است. زیرا عبارت آموزه‌ها (Teachings) هم اندیشه‌ها را در بر می‌گیرد و هم عملکردها را.

۲. خذ من أموالهم صدقه تطهرهم (سوره توبه، ۱۰۳).

۳. لو عدل لاستغنوا